

عنوان:

**بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اعضای تعاونی های کشاورزی در تصمیم گیریهای
مربوط به مدیریت تعاونی های کشاورزی استان تهران**

نویسنده گان:

معصومه ارفعی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات

M.Arfaee@gmail.com

مهرنوش شیخی، دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات

M.Shiekhi@yahoo.com

سید جمال فرج اله حسینی، دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات

Jamalfhosseini@yahoo.com

محل پژوهش: تعاونی های کشاورزی استان تهران (پایان نامه)

آدرس: آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان

تلفن: ۰۸۶۲۷۲۲۲۵۰۰

تلفن همراه: ۰۹۱۲۳۳۸۱۵۴۶

چکیده

شرکت های تعاونی سازمان هایی مشارکتی هستند و نشانه بارز در آنها دخالت دموکراتیک اعضا در برنامه ریزیها و تصمیم گیری های مربوط به اداره امور شرکت می باشد. اعضا شرکت تعاونی می بایست در تمام مراحل برنامه ریزی از تصمیم گیری تا اجراء و ارزشیابی فعالیت ها دخالت آشکار و داوطلبانه داشته باشند. در واقع این خصیصه عضو مدار بودن برنامه های شرکت های تعاونی است که مهمترین و اساسی ترین هویت تعاونی بودن آنها محسوب می گردد. با وجود این هنوز در بسیاری از جوامع، شرکت های تعاونی یافت می شوند که بدون در نظر گرفتن آراء نیازها و نظرات اعضا برنامه های خود را تدوین می کنند. البته عوامل بسیاری در عدم حضور مشارکت اعضا در جریان تصمیم گیری های مربوط به اداره امور شرکت های تعاونی موثر هستند می بایست از جهات مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. در این زمینه تحقیق حاضر سعی دارد در جهت شناسایی عوامل محدودیت زا و موانع فراروی مشارکت اعضا در اداره امور تعاونی ها گام برداشته و با بهره گیری از یافته های بدست آمده راهکارهای مؤثری را در جهت رفع این موانع ارائه دهد. تحقیق حاضر با این هدف و به منظور بررسی عوامل مؤثر در جلب مشارکت اعضای شرکت های تعاونی کشاورزی در تصمیم گیری های مربوط به اداره امور شرکت تعاونی ها در سطح استان تهران صورت گرفته است. نوع تحقیق کاربردی، توصیفی، علی ارتباطی و علی قیاسی می باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۲۲۷ نفر از مدیران و ۲۰۶ نفر اعضای شرکت های تعاونی کشاورزی تحت پوشش وزارت تعاون و در سطح استان تهران می باشد که به ترتیب به شیوه سرشماری ویژه گروه مدیران و طبقه ای تصادفی نسبی ویژه گروه اعضا صورت گرفته است. نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیرها نشان می دهد که بین سن اعضا میزان تحصیلات میزان سهام و سود ناشی از آن و میزان مشارکت ایشان در تصمیم گیری های شرکت تعاون رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. اما بین شرکت اعضا در کلاس های آموزشی و علاقه ایشان به کارگروهی و میزان مشارکت آنان در تصمیم گیری های شرکت تعاونی رابطه معنی داری وجود ندارد. نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس حاکی از آن است که شیوه های تصمیم گیری مدیران بر میزان مشارکت اعضا در تصمیم گیری های تعاونی تأثیر می گذارد و برطبق آزمون من وایت نی بین اعضای شهری و روستایی تعاونی از نظر میزان مشارکت در تصمیم گیری ها اختلاف معنی داری وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از این تحقیق، برگزاری دوره های آموزشی در زمینه قوانین و مقررات تعاونی اهمیت مشارکت و فلسفه وجودی تعاونی و زمینه های تخصصی فنی و مدیریتی از جمله مواردی هستند که می توانند در بهبود وضعیت مشارکت اعضا در تصمیم گیری ها و پذیرش مدیران نسبت به این مشارکت بسیار مؤثر واقع افتند.

کلید واژه ها: مشارکت، اعضا تعاونی کشاورزی، مدیریت تعاونی، تصمیم گیری، استان تهران

مقدمه

بررسی شواهد تاریخی نشان می دهد که انسان همواره به فعالیت های گروهی و رفتار تعاون گونه نسبت به هموعان خود نیاز داشته است. ضرورت این امر موجب پیدایش و تداوم تشکلی درزندگی گردیده، که امروزه تعاونی نام گرفته است. تشکیل اولین اجتماعات تعاونی را مورخین به هزاران سال قبل از میلاد مسیح نسبت می دهند. این تشکلات اغلب درمیان کشاورزان و ماهیگیران رواج داشته است، همچنین اجتماعی وجود داشته است که، مایحتاج و وسایل ضروری زندگی افراد را بطور مشترک تهیه می کردند و دراختیار آنها قرار می دادند.

در ایران نیز سابقه تعاونی ها در زمان های بسیار دور ریشه دارد. اشکال تعاون رادر ایران قدیم می توان بصورت همکاری روستائیان در حفر چاه و قنات، کشت و زرع و آبیاری زمین ها، و مقابله با بلایای اجتماعی و اشکال جدید زندگی شهری و روستایی، تغییر و تکامل یافته است. بطوری که یکی از نمود آن را می توان در شکل شرکت های تعاونی مشاهده کرد. در ایران آغاز به کار رسمی شرکت های تعاونی را می توان از سال ۱۳۰۳ دانست.

تعاونی ها ثابت کرده اند، یکی از بهترین جلوه های مشارکت سازمان یافته مردم در امور اجتماعی و اقتصادی می باشند زیرا تعاونی ها از جمله تشکلی هایی هستند که با سرمایه و مدیریت مردم تشکیل می شوند، و منافع و امتیازات حاصل از آنها نیز نصیب خود مردم می گردد. به نظر می رسد یکی از مهمترین عوامل مؤثر در موفقیت تعاونی ها و توسعه فعالیت آنها همکاری و مشارکت اعضای تعاونی ها است. بحث بیشتر در ارتباط با موضوع مشارکت در تعاونی ها و بررسی عوامل مؤثر در جلب اعضاء به مشارکت در اداره امور تعاونی ها نقطه مورد توجه دراین تحقیق می باشد.

با توجه به اهمیت بحث تعاونی ها و مشارکت مردمی درکشور، تاکنون مطالعات متعددی در قالب مقالات تحقیقاتی و پایان نامه انجام شده است که به نوعی با مسئله مشارکت و تعاونی ها در ارتباط هستند اما همچنان ابعادی از مسئله مشارکت خصوصاً در زمینه مدیریت و تصمیم گیری در تعاونی ها جای بحث و بررسی دارد. در اینجا به نمونه هایی از مطالعات انجام شده در سالهای اخیر در ایران و جهان اشاره می شود:

-شهریور، غلامرضا، "بررسی شیوه رهبری مدیران تعاونی های کشاورزی استان فارس در تولید و اشتغال" مقاله تحقیقاتی، ۱۳۷۷، یافته های این تحقیق نشان می دهد بین شیوه رهبری مدیران تعاونی ها و میزان اشتغال در شرکت های تعاونی رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل نشانگر وجود رابطه معنی دار بین سبک رهبری شرکت های تعاونی کشاورزی و میزان تولید در آن شرکت ها است. به نظر می رسد در شرکت هایی که از مدیریت مشارکتی قوی تری برخوردارند میزان همبستگی بین میزان تولید و سبک رهبری بطور قابل ملاحظه ای بیش از همبستگی بین میزان اشتغال و سرمایه با سبک رهبری است .

-سحرخیز، ابراهیم، "بررسی راههای جلب مشارکت مردمی در ایجاد شرکت های تعاونی بویژه شرکت های تعاونی چندمنظوره از دیدگاه مدیران بخش تعاون و مدیران دستگاههای اجرایی مرتبط با بخش تعاون" اداره کل تعاون استان همدان، ۷۹-۱۳۷۸. یافته های این تحقیق نشانگر آن است که پاسخ دهندگان از حیث الویت بندی در بین فرضیات بیان

شده و معتقدند، بیشترین نقش و تأثیر را در جلب مشارکت های مردمی، گسترش سیاست های حمایتی دولتی از بخش تعاون بویژه در قالب شرکت های تعاونی چند منظوره داشته است و بعد از آن ارتقاء توانائیهای علمی و تخصصی مدیران تعاونی ها و افزایش میزان آگاهی مردم از بخش تعاون الویت های بعدی محسوب می شوند.

-قربانی، علی اکبر، "بررسی میزان مشارکت اعضاء در مدیریت تعاونی های روستایی استان مازندران" پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، ۸۰-۱۳۷۹. براساس این تحقیق میزان مشارکت اعضاء در مدیریت تعاونی های روستایی استان مازندران طی دوره زمانی سالهای ۱۳۷۰ روندی صعودی نداشته است. برطبق یافته های این تحقیق عواملی مثل نیاز به وجود تعاونی، سن، سواد، محل سکونت اعضاء در روستا و وجود فروشگاه در میزان مشارکت روستائیان عضو در مدیریت تعاون تأثیر مثبت داشته است.

-امامی، رحمان، بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اعضاء تعاونی های ماهیگیری پره در حلاطت از ذخایر شیلات دریای مازندران پایان نامه کارشناسی ارشد، ۷۹-۱۳۷۸. نتایج حاصل از این بررسی نشان می دهد که بین سطح سواد ماهیگیران و تجربه آنها در ماهیگیری و درآمد سالانه آنها از شغل ماهیگیری و میزان مشارکت آنها در حفاظت از ذخایر شیلاتی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

-شیرزادی، حسینعلی "عوامل مرتبط با مشارکت اعضاء در تعاونی های مصرف دانشگاه علامه طباطبایی" مقاله پژوهشی، ۸۰-۱۳۷۹. نتایج این بررسی حاکی از آن است که بین نحوه عملکرد هیأت مدیره شرکت تعاونی و میزان مشارکت اعضاء در امور تعاونی رابطه معنی داری وجود دارد. برطبق این پژوهش میان مشارکت اعضاء و عواملی مانند: توزیع کالاهای اساسی، توزیع سود بین اعضاء و میزان سرمایه گذاری آنها در تعاونی رابطه معنی داری وجود ندارد.

درسایر کشورها نیز مطالعات بسیاری در ارتباط با مشارکت کشاورزان در تعاونی ها انجام شده است که در اینجا به نتایج برخی از این پژوهش ها اشاره می شود:

-درمطالعه (Kracnzle , etal ,2000)، نتایج حاکی از آن است که کشاورزان جوان تر تمایل بیشتری به مشارکت در تعاونی ها دارند مضافاً آنکه میزان تحصیلات و دسترسی به اطلاعات نیز در این امر دخیل می باشد.

-دریک بررسی دیگر (Jenson , 2002) محقق دریافت که کشاورزان با تجربه، کیفیت خدمات را به عنوان دلیل انتخاب بین عضویت در تعاونی و عدم عضویت ابراز کرده اند در همین بررسی نشان داده شده است که کشاورزان مسن تر عامل قیمت کالاها را در عضویت در تعاونی های تولیدی بسیار مؤثری می دانند.

-درمطالعه (Bravo. Ureta & lee, 2003) نشان داده شده است که تفاوتی از جهت اندازه مزرعه بین کشاورزان عضو و غیرعضو تعاونی های تولیدی وجود ندارد و هیچ تفاوت معنی داری از جهت سن و تحصیلات بین کشاورزان عضو و غیرعضو تعاونی وجود ندارد.

اهمیت موضوع

فلسفه وجودی بخش تعاون، تلاش مشترک کلیه کسانی است که در مقام تولیدکننده و یا مصرف کننده برای کسب نتایج معین اقتصادی به اقدام جمعی می پردازند. تعاونی ها بین قشرهای مختلف جامعه تبعیض قایل نمی شوند و عضویت آنها اختصاص به گروه خاصی ندارد، بلکه منشاء منطقی عضویت در تعاونی ها، نیاز و منافع مشترک افراد و شرط اصولی آن مسئولیت پذیری و قبول خصوصیات و مقررات حاکم بر اداره امور مؤسسات تعاونی است.

بدین لحاظ هدف شرکت های تعاونی به عنوان کانون تجمع افرادی که ترجیح می دهند مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود را بصورت مشترک برطرف سازند این است که با تقویت روحیه خودیاری و کمک متقابل در اینگونه افراد، شرایط مساعدتری برای دستیابی به اهداف مقاصد مورد نظر همگان فراهم ساخته و فرآیند بهتر و ایمن تری را برای آنان تدارک ببیند. مؤسسات تعاونی در کلیه فعالیت های خود، مشارکت فعال و داوطلبانه اعضا را مورد تأکید قرار می دهند و بر این باورند که عامل مذکور وسیله پیشرفت و بستر ضروری گسترش بخش تعاون بشمار می رود. (مستغانی، ۱۳۸۲)

شرکت های تعاونی براساس وجود انگیزه و نیاز مشترک اعضا و عضویت داوطلبانه آنها شکل می گیرند و مشارکت ارادی و آزادانه عده ای به منظور نیل به هدف یا اهداف مشخص در یک کار جمعی اولین گام مشارکت می باشد.

تعاونی های موفق نشان داده اند چنانچه اعمال مدیریت براساس اصول سنجیده و دوراندیشی انجام گیرد، اعضا تعاونی صادقانه از تعاونی های خویش حمایت نموده و با تصحیح کاستی ها و اشتباهات مدیران موجب تقویت مدیریت گردیده اند. در چنین شرایطی است که هیچ عضوی احساس بی نقشی نمی کند و اعضا از مرحله نقش پذیری به مرحله فعال و اثرگذار کشیده می شوند و اثر وجودی عضو در مجموعه تعاونی تجلی می گردد و براساس توان دانش و نیروی خود با هم می کوشند تا مؤسسه ای قدرتمند و پویا بوجود آورده و نیل به اهداف تعاونی را ممکن سازند. (رستمی، ۱۳۸۰)

تاکنون در تحقیقات گوناگونی که در ارتباط با تعاونی ها انجام شده است کمتر به مسئله مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی ها، بالاخص تصمیم گیری ها، توجه شده است و مهمترین اصل تعاون یعنی دموکراسی مورد بی مهری قرار گرفته است. مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی ها از یک سو زمینه مناسب را جهت برنامه ریزی صحیح و اصولی میسر می سازد و از سوی دیگر موجب تسهیل در اجرای برنامه ها می گردد. در این تحقیق سعی می شود عوامل مؤثر بر مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی ها بالاخص مشارکت در تصمیم گیری های مربوط به اداره امور تعاونی ها کشاورزی را در سطح استان تهران از دیدگاه مدیران و اعضا مورد مطالعه و شناسایی قرار داد و با شناخت محدودیت ها و موانع احتمالی راهکارهای مؤثری را در جهت رفع آنها پیشنهاد کرد. بدون شک هرگونه مطالعه و بررسی در این زمینه می تواند اقدامی مفید در جهت ترقی جایگاه تعاونی و ادامه حیات موفق تشکل ها محسوب گردد.

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق بررسی عوامل مؤثر در جلب مشارکت اعضا تعاونی ها در تصمیم گیری های مربوط به اداره امور تعاونی های کشاورزی در استان تهران می باشد. اهداف اختصاصی این تحقیق شامل موارد ذیل می باشد:

۱- بررسی مبانی نظری درخصوص مشارکت اعضای تعاونی های کشاورزی در تصمیم گیری های مربوط به اداره امور تعاونی ها

۲- شناسایی ویژگی های فردی اعضا و مدیران شرکت های تعاونی کشاورزی استان تهران

۳- شناسایی عوامل مؤثر در جلب مشارکت اعضا در تصمیم گیری های مربوط به شرکت های تعاونی تولید کشاورزی

۴- شناسایی عوامل مؤثر در میزان پذیرش مدیران نسبت به مشارکت اعضا در تصمیم گیری های مربوط به شرکت های تعاونی

۵- بررسی میزان اطلاع و آگاهی اعضا و مدیران شرکت های تعاونی از قوانین، مقررات و اصول تعاونی ها

۶- بررسی و اولویت بندی عوامل مؤثر درخصوص تحقق مشارکت اعضا در تصمیم گیری های مربوط به تعاونی ها از دیدگاه اعضا و مدیران

۷- مقایسه دیدگاه های مدیران و اعضای شرکت های تعاونی درخصوص تعیین و اولویت بندی روش های برقراری ارتباط اعضا با مدیران شرکت های تعاونی کشاورزی

۸- بررسی و اولویت بندی سبک های مدیریتی بکارگرفته شده در شرکت های تعاونی کشاورزی

روش شناسی

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و به روش توصیفی، همبستگی، تحلیلی و علی-قیاسی می باشد. این تحقیق به شیوه اسنادی و میدانی انجام شده است. در روش میدانی از دو نوع پرسشنامه در دو گروه برای اعضا و مدیران بصورت مجزا استفاده گردیده است. جامعه آماری این تحقیق ۳۲۴۰ نفر در قالب ۲۳۰ تعاونی کشاورزی می باشد که شامل ۲۳۰ مدیر و ۳۰۱۰ عضو تعاونی های تولید کشاورزی تحت پوشش وزارت تعاون در سطح استان تهران می باشند. از میان این جامعه آماری دو حجم نمونه شامل ۲۳۰ نفر از مدیران و ۲۰۶ نفر از سایر اعضای تعاونی های جهت پاسخگویی به پرسشنامه ها انتخاب شده اند.

در این تحقیق نیز با توجه به پراکندگی اعضای تعاونی های کشاورزی در شهرستان دهگانه استان تهران و همچنین در ده گرایش مختلف کشاورزی نمونه گیری از این گروه بصورت تصادفی طبقه ای نسبی انجام می شود. برای نمونه گیری از گروه مدیران به علت محدود بودن تعداد این گروه و به جهت جمع آوری دقیق تر اطلاعات از روش سرشماری استفاده می شود. میزان اعتبار پرسشنامه از طریق نرم افزار SPSS به روش محاسبه ضریب کرونباخ آلفا تعیین شد. که نتایج حاصله از ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش های مربوطه به اعضای تعاونی ها برابر ۰/۸۶ درصد و برای پرسش های مربوط به مدیران تعاونی ها برابر ۰/۸۲ درصد گردید. متغیر های وابسته در این تحقیق عبارتند از: میزان مشارکت اعضا در تصمیم گیری های مربوط به اداره امور تعاونی های تولید کشاورزی، میزان پذیرش مدیران نسبت به مشارکت اعضا در تصمیم گیری های شرکت تعاونی تولید کشاورزی.

متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارتند از: سن، میزان تحصیلات، محل سکونت، شرکت اعضاء در کلاس های آموزشی، شرکت مدیران در کلاس های آموزش مدیریتی، سابقه عضویت اعضاء در تعاونی، سابقه مدیریت مدیران در تعاونی، آگاهی اعضاء از قوانین و مقررات تعاونی، آگاهی مدیران از اصول مدیریت تعاونی، علاقه به کار گروهی، شیوه تصمیم گیری مدیران، میزان سود دریافتی ناشی از فعالیت تعاونی. در این تحقیق پس از جمع آوری و دسته بندی داده ها از روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردیده است از روش آمار توصیفی به منظور دسته بندی گروه های آزمودنی از نظر صفات مختلف و توصیف ویژگی های جامعه آماری از جداول توزیع فراوانی، درصد فراوانی، درصد تجمعی، میانگین، میانه، مد، انحراف معیار استفاده به عمل آمده است. در بخش آمار استنباطی از آزمون های آماری همبستگی اسپیرمن، کروسکال والیس و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته ها و بحث

در این بخش از تحقیق نتایج در دو قسمت ۱- نتایج حاصل از تحقیق توصیفی داده ها و ۲- نتایج از تحلیل استنباطی داده ها به شرح زیر ارائه می گردد:

نتایج حاصل از تحلیل توصیفی داده ها

قسمت اول: نتایج حاصل از تحقیق توصیفی داده ها در مورد اعضای شرکت های تعاونی

از نظر سنی بیشترین توزیع فراوانی اعضای مورد مطالعه مربوط به طبقات سنی ۲۶-۳۰ سال و ۳۶-۴۰ سال می باشد و میانگین سنی آنها نیز ۳۵/۵ سال بوده است. از نظر محل سکونت، ۶۵٪ اعضاء ساکن شهرها و ۳۵٪ نیز ساکن روستاها بوده اند. از نظر سطح تحصیلات ۱٪ بی سواد، ۳۳/۳٪ در سطح دیپلم و ۳۵/۳٪ در سطح فوق دیپلم و به بالا می باشند. به لحاظ شاغل بودن ۵۰٪ اعضاء در شرکت های تعاونی خود شاغل اند و ۵۰٪ نیز شاغل نمی باشند. متوسط سابقه عضویت اعضای شرکت های تعاونی ۳/۵ سال که کمترین سابقه یک سال و بیشترین سابقه عضویت ۱۵ سال بوده است. در زمینه مشارکت اعضاء در انتخاب هیأت مدیره شرکت تعاونی ۶۳٪ اعضاء در انتخاب هیأت مدیره نقش داشته اند و ۳۷٪ نیز نقشی نداشته اند نتایج نشان می دهد. درخصوص شرکت در دوره های آموزشی برگزار شده توسط وزارت تعاون بطور کلی ۲۴٪ اعضاء شرکت داشته اند. در زمینه میزان آگاهی اعضاء از حقوق قانون خود در شرکت های تعاونی، ۵۳/۵٪ اعضاء میزان این آگاهی را در حد متوسط ۲۹٪ آن را در حد زیاد و ۱۷/۵٪ آن را در حد کم ذکر کرده اند. درخصوص میزان تأثیر دوره های آموزشی برگزار شده در افزایش مشارکت اعضاء در تصمیم گیری های تعاونی، حدود ۴۱٪ اعضاء میزان این تأثیر را در حد متوسط، ۳۷٪ این میزان تأثیر را در حد زیاد و ۲۲٪ نیز تأثیر کم را خاطر نشان کرده اند. در زمینه توجه اعضاء به کار گروهی به ۸۴/۵٪ اعضاء آن را در حد زیاد، ۱۱٪ اعضاء آن را در حد متوسط و ۴/۵٪ اعضاء آن را در حد کم توصیف نموده اند.

قسمت دوم: نتایج حاصل از تحقیق و توصیفی داده ها در مورد مدیران شرکت های تعاونی

از نظر سنی، بیشترین توزیع فراوانی مدیران مورد مطالعه مربوط به طبقه سنی ۳۶-۴۰ سال می باشد که متوسط سنی آنها ۳۹ سال بوده است. از نظر محل سکونت، ۶۹٪ مدیران ساکن شهرها و ۳۱٪ نیز ساکن روستاها بوده اند. از نظر سطح

تحصیلات بترتیب، ۳۰/۷٪ در سطح دیپلم، ۲۵/۹٪ در سطح فوق دیپلم، ۲۵/۴٪ در سطح لیسانس و ۱۸٪ نیز در سطح فوق لیسانس و بالاتر می باشند. متوسط سابقه مدیریتی مدیران شرکت های تعاونی ۳/۵ سال بوده است که کمترین سابقه مدیریتی ۱ سال و بیشترین سابقه مدیریت ۱۵ سال می باشد. در دوره های آموزشی برگزار شده توسط وزارت تعاون بطورکلی ۳۳٪ مدیران شرکت داشته اند. درخصوص میزان تأثیر دوره های آموزشی برگزار شده بر موفقیت مدیران در اداره امور تعاونی ها حدود ۴۵٪ مدیران آن را در حد متوسط، ۳۷٪ آن را در حد زیاد و ۱۸٪ نیز تأثیر آن را کم ارزیابی نموده اند. در رابطه با میزان آگاهی مدیران از اصول مدیریت تعاونی ها، ۶۳٪ مدیران میزان این آگاهی را در حد متوسط، ۱۸٪ آن را در حد کم و ۱۹٪ نیز آن را در حد زیاد عنوان نموده اند. در زمینه بکارگیری شیوه های مختلف مدیریتی و تصمیم گیری های شرکت تعاونی؛ ۸۵/۵٪ مدیران استفاده از شیوه مشارکتی، حدود ۱۰/۵٪ استفاده از شیوه مشورتی، ۲٪ استفاده از شیوه توافقی و ۲٪ استفاده از شیوه دستوری را اظهار نموده اند. در رابطه اعتقاد مدیران برای در جریان قرار دادن اعضاء از امور شرکت های تعاونی؛ ۵۶٪ مدیران به میزان زیاد، ۳۶٪ به میزان متوسط و ۷٪ به میزان کم اعتقاد دارند که اعضای شرکت های تعاونی باید در جریان امور شرکت های تعاونی قرار بگیرند.

قسمت سوم: نتایج مقایسه ای دردیگاه ها و نظرات مدیران و اعضای شرکت های تعاونی درخصوص مسائل شرکت تعاونی و عوامل مؤثر در جلب مشارکت اعضاء در تصمیم گیری های مربوط به امور شرکت های تعاونی کشاورزی

از نظر نوع گرایش شرکت های تعاونی بیشتر مدیران بترتیب در تعاونی های مرغداری (۲۷/۷٪)، گاودار پروار (۱۶/۴٪) و تعاونی زراعی (۱۴/۹٪) فعالیت می کنند همچنین اعضای تعاونی ها نیز بیشتر در تعاونی های مرغداری (۲۰/۵)، باغداری (۱۷/۶٪) و تعاونی های زراعی ۱۱/۸٪ فعالیت دارند. همچنین براساس اظهارات اعضاء حدود ۲۴٪ آنان در کلاس های مربوطه شرکت نموده اند و ۷۶٪ نیز شرکت نکرده اند بنابراین توجه به اعداد و ارقام موجود، برگزاری بیشتر دوره های آموزشی و تأکید بر حضور مدیران و اعضاء جهت شرکت در این دوره ها ضروری بنظر می رسد. براساس نتایج بدست آمده از اظهارات مدیران مورد مطالعه، تأثیر آگاهی از قوانین و مقررات تعاونی ها در مشارکت اعضاء در تصمیم گیری های تعاونی در حد متوسط بوده است و اعضای شرکت های تعاونی مورد مطالعه نیز میزان این تأثیر را در حد متوسط به بالا دانسته اند. درخصوص میزان آگاه نمودن مدیران و آگاه شدن اعضاء از تصمیمات هیأت مدیره، مدیران مورد مطالعه اظهار داشته اند که به میزان زیادی اعضای تعاونی ها را در جریان تصمیمات هیأت مدیره قرار می دهند. درخصوص برگزاری منظم جلسات مجامع عمومی بترتیب ۹۹٪ مدیران و ۹۴٪ اعضای شرکت های تعاونی اظهار داشته اند که این جلسات بصورت منظم برگزار می شود. در زمینه تعداد دفعات تشکیل جلسات مجامع عمومی شرکت تعاونی در سال گذشته برطبق نظرات مدیران و اعضای شرکت های تعاونی بطور متوسط این جلسات ۱/۵ بار در طول سال گذشته برگزار شده است. درخصوص میزان علاقه به تصمیم گیری های گروهی در شرکت تعاونی، مدیران و اعضای شرکت های تعاونی مورد مطالعه بترتیب با

میانگین های ۳/۵۶ و ۳/۸۵ میزان علاقه خود را در حد زیاد به تصمیم گیری های گروهی در شرکت تعاونی اظهار داشته اند. در رابطه با تأثیر شرکت های تعاونی در بهبود وضعیت اقتصادی اعضا، هر دو گروه مدیران و اعضای شرکت های تعاونی میزان این تأثیر را بترتیب با میانگین ۳/۰۸ و ۲/۸۲ در حد متوسط ارزیابی نموده اند.

ب- نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده ها

قسمت اول: همبستگی بین متغیرها

بین میزان تحصیلات اعضا و مشارکت آنان در تصمیم گیری های تعاونی رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۵٪ خطا وجود دارد به عبارت دیگر هرچه سطح تحصیلات اعضا بالاتر می باشد میزان مشارکت آنان در تصمیم گیری های تعاونی نیز بیشتر است. بین تحصیلات مدیران و میزان پذیرش آنان نسبت به مشارکت اعضا در تصمیم گیری های تعاونی رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد بنابراین هرچه سطح تحصیلات مدیران بیشتر است میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم گیری های تعاونی از سوی آنان بیشتر می باشد.

بین سابقه مدیریتی مدیران و میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم گیری های توسط مدیران رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد. بین آگاهی مدیران از قوانین و مقررات تعاونی ها و میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم گیری های تعاونی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه میزان آگاهی مدیران از قوانین و مقررات تعاونی ها بیشتر باشد میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم گیری های تعاونی توسط آنان بیشتر خواهد بود. بین علاقه اعضا به کارگروهی و میزان مشارکت آنان در تصمیم گیری های تعاونی رابطه معنی داری در سطح ۵٪ خطا وجود ندارد. بین میزان سود ناشی از فعالیت های تعاونی و مشارکت اعضا در تصمیم گیری ها رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد بنابراین هرچه میزان سود ناشی از فعالیت تعاونی بیشتر باشد میزان مشارکت اعضا در تصمیم گیری های تعاونی نیز بیشتر خواهد شد. بین میزان برقراری ارتباط مدیران با اعضا در تصمیم گیری های تعاونی رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد.

جدول ۱: نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد فرضیات یک تا پانزدهم

شماره فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار r	مقدار p	رابطه
۱	سن رابطه	مشارکت در تصمیم گیریها	۰/۱۹۹۳**	۰/۰۰۴	دارد
۲	سن مدیران	پذیرش مشارکت اعضاء	۰/۱۵۸۳*	۰/۰۲۸	دارد
۳	تحصیلات اعضاء	مشارکت در تصمیم گیریها	۰/۱۷۲۶*	۰/۰۱۴	دارد
۴	تحصیلات مدیران	پذیرش مشارکت اعضاء	۰/۶۸۳۸**	۰/۰۰۰۰	دارد
۵	شرکت اعضاء در کلاسهای آموزشی	مشارکت در تصمیم گیریها	۰/۲۷۶۸	۰/۰۵۲	دارد
۶	شرکت مدیران در کلاسهای آموزشی	پذیرش مشارکت اعضاء	۰/۲۲۳	۰/۰۷۸	ندارد
۷	سابقه عضویت اعضاء	مشارکت در تصمیم گیریها	۰/۱۶۷۱*	۰/۰۱۷	دارد
۸	سابقه مدیریت مدیران	پذیرش مشارکت اعضاء	۰/۲۳۹۱**	۰/۰۰۱	دارد
۹	آگاهی اعضاء از قوانین ومقررات	مشارکت در تصمیم گیریها	۰/۳۰۷۷**	۰/۰۰۰۰	دارد
۱۰	آگاهی مدیران از قوانین ومقررات	پذیرش مشارکت اعضاء	۰/۴۵۱۲**	۰/۰۰۰۰	دارد
۱۱	علاقه اعضاء به کار گروهی	مشارکت در تصمیم گیریها	-۰/۴۱۳	۰/۵۵۵	ندارد
۱۲	علاقه مدیران به کار گروهی	پذیرش مشارکت اعضاء	۰/۳۷۰۴**	۰/۰۰۰۰	دارد
۱۳	آگاهی مدیران از اصول مدیریت تعاونیها	پذیرش مشارکت اعضاء	۰/۴۹۱۱**	۰/۰۰۰۰	دارد
۱۴	میزان سود ناشی از فعالیت تعاونی	مشارکت در تصمیم گیریها	۰/۴۱۶۳**	۰/۰۰۰۰	دارد
۱۵	ارتباط مدیران با اعضاء	مشارکت در تصمیم گیریها	۰/۲۸۳**	۰/۰۰۰۰	دارد

** = معنی داری در سطح ۱٪ خطا * = معنی داری در سطح ۵٪ خطا

جدول ۲: نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس در مورد فرضیه شانزدهم

شماره فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	Significance	Chi-square	DF=k-1	y 2
۱۶	میزان مشارکت اعضاء در تصمیم گیریها	شیوه های تصمیم گیری مدیران	۰/۰۶۴۸	۰/۲۳۵۱	۳	۷/۸۲

جدول ۳: نتایج حاصل از من وایت نی در مورد فرضیات هفدهم تا بیست و دوم

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	Sig	U	اختلاف
۱۷	مشارکت در تصمیم گیریها	محل سکونت اعضا	۰/۰۰۰۰	۳۱۵۵/۵***	دارد
۱۸	پذیرش مشارکت اعضا	محل سکونت مدیران	۰/۱۵۸	۳۴۶۷/۵	ندارد
۱۹	مشارکت در تصمیم گیریها	جنسیت اعضا	۰/۱۸۸۶	۲۹۸۶	ندارد
۲۰	پذیرش مشارکت اعضا	جنسیت مدیران	۰/۹۹۰۰	۱۶۵۰/۵	ندارد
۲۱	مشارکت در تصمیم گیریها	آموزش یا عدم آموزش مدیران	۰/۰۰۰۰	۲۰۴۶***	دارد
۲۲	پذیرش مشارکت اعضا	آموزش یا عدم آموزش مدیران	۰/۰۰۰۰	۲۷۳۱/۵***	دارد

*** = معنی داری در سطح ۱٪ خطا

قسمت دوم: بررسی تأثیر فردی متغیرهایی مستقل بر وابسته

بین شیوه های تصمیم گیری مدیران در اداره امور تعاونی ها از نظر میزان مشارکت اعضا در تصمیم گیری های تعاونی اختلاف معنی داری در سطح ۵٪ خطا وجود ندارد به عبارت دیگر شیوه های تصمیم گیری اعمال شده از سوی مدیران بر میزان مشارکت اعضا در تصمیم گیری های تعاونی تأثیری نداشته است. بین اعضای شهری و روستایی تعاونی از نظر میزان مشارکت در تصمیم گیری های تعاونی اختلاف معنی داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد. بین مدیران شهری و روستایی تعاونی از نظر میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم گیری های تعاونی نداشته است. بین اعضای که در زمینه اساسنامه و قوانین تعاونی آموزش دیده اند و سایرینی که آموزش ندیده اند از نظر میزان مشارکت در تصمیم گیری های تعاونی اختلاف معنی داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد بنابراین اعضای آموزش دیده تعاونی بیشتر از سایرین در تصمیم گیری های تعاونی مشارکت داشته اند. بین مدیرانی که در زمینه اساسنامه و قوانین تعاونی آموزش دیده اند و سایرینی که آموزش ندیده اند از نظر میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم گیری های تعاونی اختلاف معنی داری در سطح ۱٪ خطا

وجود دارد بنابراین میزان پذیرش مشارکت اعضاء در تصمیم گیری های تعاونی توسط مدیران آموزش دیده بیشتر از سایرین بوده است.

پیشنهادات

نتایج تحقیق حاکی از آن است که عدم تشکیل به موقع و یا دفعات کم تشکیل مجامع عمومی یکی از عوامل بسیار مؤثر در عدم مشارکت اعضاء در تصمیم گیری های شرکت خود می باشد. تشکیل منظم و به موقع مجامع عمومی و جلسات هیأت مدیره و اعضاء بهترین راه برخورداری از نتایج تقابل اندیشه ها و نظرات اعضاء و مدیران و مشارکت جویی در مجموعه اعضای تعاونی می باشد. از سوی دیگر، زمانی که مسائل و نابسامانی های شرکت ها و اتحادیه های تعاونی مورد مطالعه و تحقیق قرار می گیرند، پیوسته ملاحظه می گردد که قسمت عمده این مشکلات، ناشی از عدم آگاهی اعضاء و مسئولان به وظایف، حقوق و مسئولیت های خویش در چهارچوب فلسفه، اصول و روش اقتصادی اجتماعی تعاونی و قوانین و مقررات مربوط به آن می باشد.

آگاهی از معلومات و اطلاعات تعاونی برای کلیه اعضای شرکت تعاونی امری ضروری و واجب است. به این ترتیب به نظر می رسد یکی از عوامل مهم در جلب مشارکت اعضاء در اداره امور شرکت خود، حضور آنان در کلاس های آموزشی در زمینه های گوناگون قوانین، مقررات و اصول شرکت های تعاونی در زمینه تخصصی فعالیت خاص شرکت تعاونی و اصول مدیریت و اداره امور شرکت تعاونی بلاخص ویژه مدیران می باشد.

همچنین از مدیران این شرکت ها نیز انتظار می رود درجهت مشارکت هرچه بیشتر اعضاء در اداره امور شرکت خود، در کلیه مراحل مدیریت شرکت، اعم از برنامه ریزی، سازماندهی، اجرا و نظارت از وجود اعضاء آراء و نظرات ایشان به نحو شایسته ای بهره جویند. ارتباط هرچه بیشتر شرکت های تعاونی و اتحادیه های تعاونی با مراکز آموزشی و تحقیقاتی و دستگاه های علمی و تخصصی یکی دیگر از راههای است که می تواند در راستای هرچه کآمدتر شدن سیستم مدیریت و بهبود فعالیت این شرکت ها و بالابردن سطح علمی شرکت و نیروی انسانی آن بسیار حائز اهمیت باشد.

با توجه به نکاتی که بدان ها اشاره رفت می توان به طور خلاصه موارد زیر را به عنوان پیشنهاد مطرح نمود:

۱- با توجه به نتایج حاصل از تحقیق توصیه می گردد برگزاری دوره های آموزشی در ارتباط با قوانین و مقررات شرکت های تعاونی برای اعضای هیأت مدیره و سایر اعضای تعاونی ها مورد توجه قرارگیرد.

۲- برقراری هرچه بیشتر ارتباط میان اعضاء و هیأت مدیره صورت گیرد.

۳- رسیدگی بیشتر به نظرات و پیشنهادات اعضا در زمان برنامه ریزی و اجرای برنامه های تعاونی

۴- ایجاد روابط بهتر بین بخش تحقیقات و شرکت های تعاونی

۵- توجه بیشتر به اهداف اولیه تعاونی و اهدافی که در اساسنامه اولیه شرکت ها وجود داشته است.

منابع و مأخذ

۱- امامی، زین العابدین. ۱۳۷۸. دو ارزش کمرنگ شده در تعاونی ها، مجله تعاون، شماره ۹۷.

۲- درویشی نیا، علی اصغر. ۱۳۷۹. ارزیابی میزان موفقیت شرکت های تعاونی تولید روستایی استان مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد، ترویج و مشارکت مردمی با دانشگاه تربیت مدرس.

۳- رستمی، حمدالله. ۱۳۸۰. اصول و تاریخچه تعاون، جزوه آموزشی دوره ضمن خدمت کارکنان وزارت تعاون.

۴- قربانی، علی اکبر. ۱۳۸۰. بررسی میزان مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی های روستایی استان مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد سازی.

۷- مستعانی، محمد حسین. ۱۳۸۲. رضایت اعضا کلید موفقیت تعاونی ها، مجله تعاون، ش ۸۸.

8-Bravo. Ureta. B and T. Lee .2003. Socio economic and technical characteristics Of New England Dairy cooperative Members and Non-members. Journal Of Agriculture cooperation, (12-28)

9-Davis, Peter.1995. International cooperative Information. “A Shoet History of cooperative m0ument”.

10-Jenson. K.2002. Factors associated with the selection of cooperatives milk in Tennessee, Journal of agriculture cooperation, (27-35)

11-Kranzle. CA. Etal. 2000. Farmers cooperatives members and use Research Report Washington D. C, U. S.

Investigating the effective factors on agricultural cooperative members' participation in decision-making process and management of their cooperatives in Tehran province

By : M. Arfaee, M. Sdheikhi, and S. J. hosseini

Abstract:

Cooperatives represent participatory organizations whose main characteristics are democratic planning in decision making processes. Members should participate in all aspects of planning and decision making. In fact member-oriented programming and operation are the most important and fundamental feature of cooperatives. Nevertheless, there are many cooperatives which neither consider members' opinions nor involve them in decision making processes. Hence, above mentioned factors should be well elaborated and considered in detail. The main purpose of this study is to find out the factors that limit and prevent participation of members in management of cooperatives. This survey follows an applied-descriptive, correlative and deductive method as the main tool used together with pertinent information. The population in this study consists of 227 managers and 206 members of agricultural cooperative firms in Tehran province. Census and relative sampling methods were used for manager group and members, respectively. The results analysed by using coefficient of correlation show that there are positive and significant relationships between age, education, number of shares, benefit and member`s participation level in decision making process of the cooperatives. But, there were no positive and significant relationships between attendance in training courses and interest in teamwork and member`s participation level in decision making process of the cooperatives. Result obtained using Kruskal Wallis test shows that decision making behavior of managers affected amount of participation of members in decision making, and according to Mann- Whitney U test, there is significant difference between rural and urban members on participation in decision making process of cooperatives. Based on the results of the study, the following suggestion is also recommended: Holding training courses regarding cooperative rules, importance of participation, and managerial and technical subjects toward improving status of members' participation in cooperative affairs.

Key words: Participation, Agricultural cooperative affairs, Cooperative management, Decision making, Tehran province.